بسم الله الرحمن الرحیم

آیا اسلام از مشورت با زنان نهی کرده است؟!

بررسی یک حدیث و بیان مخالف آن با سنت ثابت

نویسنده: «موقع الإسلام سؤال وجواب»

ترجمه و اضافات: «رد شبهات ملحدین»

آیا اسلام از مشورت با زنان نهی کرده است؟

«بررسی یک حدیث و بیان مخالف آن با سنت ثابت»

نویسنده: «موقع الإسلام سؤال وجواب»

ترجمه و اضافات: «رد شبهات ملحدین»



no-atheism.net | no_atheism | fb/islamway1434 | no_atheism | aparat/asteira



بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله وصحبه أجمعين. أما بعد:

حدیثی نقل شده که دست‌آویز ملحدین در طعن به اسلام قرار گرفته، و این حدیث چنین است که پیامبر ﷺ چهار چیز را مایه‌ی فساد قلب دانستند، که یکی از این موارد مشورت‌کردن با زنان و عمل به نظر آن‌هاست! اما آیا این حدیث صحیح است، و اسلام چه دیدگاهی نسبت به مشورت‌کردن با زنان دارد؟

پاسخ تفصیلی:

اولاً. این حدیث ضعیف است و از پیامبر اسلام ﷺ ثابت نشده است.

ابو موسی المدینی ﵀ در «التتمه» آن را نقل کرده و ابن اثیر ﵀ در «أسد الغابة»[۱] آن را با اسنادش از طریق حسن بن عرفه، و نیز شجری ﵀ در «الأمالی»[۲] از طریق مهدی بن حفص آورده، که هر دو (حسن بن عرفه و مهدی بن حفص) از مبارک بن سعید، از خلید الفراء، از ابی مجبر آن را نقل کرده‌اند: «چهار خصلت، قلب را فاسد می‌کند: همنشینی با احمق، زیرا اگر با او همنشینی نمودی همانند او می‌شوی و اگر در برابرش سکوت پیشه کردی تسلیمش می گردی، و گناهان زیاد سبب فساد قلب است... و خلوت‌کردن با زنان، گوش فرا دادن به آنها، عمل به نظرات‌شان و همنشینی با مردگان قلب را فاسد می‌کند، گفتند: ای رسول خدا، مردگان چه کسانی هستند؟ فرمودند: هر ثروتمندی که ثروتش او را به سرکشی و طغیان کشانده است.»[۳]

اسناد این حدیث ضعیف بوده و در آن دو علت وجود دارد:

۱) در صحابی‌بودن ابی المجبر ﵀ اختلاف نظر وجود دارد؛ ابن حجر عسقلانی ﵀ می‌فرماید: «در ابی مجبر اختلاف پیدا شده است که آیا او صحابی است یا خیر؟»[٤]

۲) خلید الفراء مجهول الحال است؛ نام او خلید الثوری است و هیچ‌کس او را توثیق نکرده، و تنها بخاری ﵀ در «التاریخ الکبیر»[٥] و ابن ابی حاتم ﵀ در «الجرح والتعدیل»[٦] ترجمه‌اش را آورده‌اند، اما هیچ جرح یا تعدیلی برای او ذکر نکرده‌اند.

---

۱. أسد الغابة، دار الكتب العلمية، ج ٦، ص ۲۷۰

۲. الأمالي للشجري، دار الكتب العلمية، ج ۲، ص ۲۹۱

۳. روي عن رسول الله صلى الله عليه وسلم: *«أربع خلال مفسدة القلب، مجاراة الأحمق، فإن جاريته كنت مثله، وإن سكت عنه سلمت منه، وكثرة الذنوب مفسدة للقلب... والخلوة بالنساء والاستمتاع منهن، والعمل برأيهن، ومجالسة الموتى، قيل: يا رسول الله، من الموتى؟ قال: كل غني قد أطغاه غناه.»*

٤. تبصير المتنبه بتحرير المشتبه، المكتبة العلمية، ج ٤، ص ١٢٥٣: *«واختلف في أبي المجبر هل له صحبة؟»*

٥. التاريخ الكبير، دائرة المعارف العثمانية، ج ٣، ص ١٩٨

٦. الجرح والتعديل، دائرة المعارف العثمانية، ج ٣، ص ٣٨٣

در ضمن این حدیث از طریق ابی هریره ﷺ نیز با اسنادی که شدیداً ضعیف است، نقل شده است، اما جالب است که در آن ذکری از «عمل به رأی زنان» وجود ندارد!

ثانیاً. با این‌که حدیث ذکرشده ضعیف است و ثابت نشده است، در قضیه‌ی مستحب‌بودن مشورت با زن فاضل و عاقل، مخالف شریعت محسوب می‌شود! در صحیح بخاری ﷺ، از قصه‌ی حدیبیه ثابت شده که پیامبر عظیم‌الشأن اسلام ﷺ با همسر گرامی‌شان أم سلمه ﷺ مشورت کرده‌اند![٧]

ابن جوزی ﷺ در «کشف المشکل» می‌فرماید: «مشورت رسول خدا ﷺ با أم سلمه ﷺ و پذیرفتن سخن ایشان، دلیل آن است که می‌توان به مشورت با زنان عمل کرد، و همچنین دلیل ضعیف‌بودن آن قول است که می‌گویند: با زنان مشورت مشورت کنید ولی با نظرشان مخالفت کنید!»[٨]

لازم به ذکر است که گروهی این عبارت «با زنان مشورت کرده و با ایشان مخالفت کنید»[٩] را حدیث پیامبر ﷺ پنداشته‌اند، اما سیوطی[١٠] ﷺ و مرعی الکرمی[١١] ﷺ حکم به بطلان آن داده‌اند، حافظ سخاوی ﷺ فرموده است: «آن را به صورت مرفوع ندیده‌ام!»[١٢] و مناوی ﷺ فرموده است: «اصلی ندارد!»[١٣]

خطابی ﷺ نیز فرموده است: «در این‌که رسول خدا ﷺ اشاره‌ی أم سلمه ﷺ را قبول کردند، دلیل بر جواز مشورت با زنان و پذیرش دیدگاه ایشان وقتی در اشاره‌ی‌شان به حق اصابت کنند وجود دارد.»[١٤]

پس ثابت شد که حدیث مذکور علاوه بر ضعف سندی، از حیث معنا نیز با آن‌چه درباره‌ی مشروعیت مشورت با زنان وارد شده، در تضاد و تعارض است. شیخ محمد صالح المنجد در این باره می‌فرماید: «بدون تردید مشورت با همسر و گوش‌فرادادن به نصیحتش و قبول آن، نشانه‌ی

---

٧. صحيح البخاري، دار طوق النجاة، ج ٣، ص ١٩٣

٨. كشف المشكل، دار الوطن، ج ٤، ص ٥٨: *«وأما مشاورة رسول الله صلى الله عليه وسلم أم سلمة وقبول قولها ففيه دليل على جواز العمل بمشاورة النساء، ووهن لما يقال: شاوروهن وخالفوهن.»*

٩. قيل: *«شاوروهن وخالفوهن.»*

١٠. اللؤلؤ للمرصوع، دار البشائر الإسلامية، ص ١٠١: *«قال السيوطي: باطل لا أصل له.»*

١١. الفوائد الموضوعة، دار الوراق، ص ٩٩: *«باطل لا أصل له.»*

١٢. المقاصد الحسنة، دار الكتاب العربي، ص ٤٠٠: *«لم أره مرفوعاً.»*

١٣. فيض القدير، المكتبة التجارية الكبرى، ج ٤، ص ٢٦٣: *«لا أصل له.»*

١٤. معالم السنن، المطبعة العلمية، ج ٢، ص ٣٣٣: *«وفي قبول رسول الله صلى الله عليه وسلم إشارة أم سلمة عليه بأن يبدأ بنحر هديه وحلق رأسه دليل على جواز مشاورة النساء وقبول قولهن إذا كن مصيبات فيما يشرن به.»*

نیکی در معاشرت، اصلاح قلب او، احساس نقش آفرینی‌اش در خانه و مسئولیت‌پذیری وی در قبال خانواده‌اش است. به‌ویژه هنگامی که مرد، حکمت و عقل، صاحب نظری، عدم شتاب‌زدگی و دوری از چیرگی عاطفه‌ی همسرش را آزموده باشد.»[۱۵]

نویسنده: «موقع الإسلام سؤال وجواب»
ترجمه و اضافات: «رد شبهات ملحدین»

۱۵. موقع الإسلام سؤال وجواب: *«ولا شك أن مشاورة الزوجة والاستماع لنصيحتها وقبولها منها، هو من تمام المعروف في العشرة، واستصلاح قلبها، وإشعارها بدورها في بيتها، ومسؤوليتها عن أسرتها، لاسيما إذا جرب الرجل من امرأته الحكمة والعقل، والروية في النظر إلى الأمور، وعدم التسرع والانسياق وراء العاطفة.»*